درباره عضویت ایران در سازمان جهانی

به منظور بالا بردن سطح آگاهی‏های مدیران صنایع‏ و دست‏اندرکاران تولید،اتاق بازرگانی و صنایع و معادن‏ کاشان اقدام به برگزاری سلسله گردهمایی مدیران‏ بخش‏های مختلف صنایع و اعضاء اتاق در محل اتاق‏ مذکور کرده است.

در این گردهمایی آقای دکتر ادیب استاد دانشگاه‏ اصفهان سخنان مشروحی را درباره چگونگی سازمان‏ تجارت جهانی و عضویت ایران در سازمان مذکور ایراد کرد، نظر به اهمیت نقطه نظرات مطرح شده در این سخنرانی‏ قسمت‏هایی از آن از نظر خوانندگان ماهنامه اتاق‏ می‏گذرد.

سازمان تجارت جهانی 2 سال پیش در مراکش تشکیل‏ جلسه داد و در این جلسه 130 کشور به عضویت سازمان‏ پذیرفته شدند،30 کشور تقاضای عضویت دادند و 12 کشور هم نه به عضویت پذیرفته شده بودند و نه تقاضای‏ عضویت داده بودند یکی از این 12 کشور ایران بود.

تا قبل از اجلاسیه 2 سال قبل ایران به عنوان عضو ناظر در اجلاسیه‏های سالیانه شرکت می‏کرد.اما در اجلاس اخیر سازمان تجارت جهانی اعلام کرد که منبعد دیگر عضو ناظر نخواهد داشت و کشورها باید به عضویت‏ این نهاد درآیند.

این 12 کشور عبارتند از:افغانستان،سومالی،بروندی، رواند و کشورهائی درحد افغانستان،یعنی یا دولت نداشتند یا اگر داشتند درحد افغانستان بودند.در اجلاس امسال که‏ در سنگاپور تشکیل شد،ایران رسما تقاضای عضویت داد. و آقای ولایتی وزیر امور خارجه هم تائید کردند که ایران‏ رسما به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی تقاضای‏ عضویت داد است.

شرایط عضویت سازمان مذکور به شرح زیر است:

اولین شرط-کشوری که به عضویت سازمان تجارت‏ جهانی درمی‏آید باید کلیه محدودیتهای کمی برای‏ واردات را حذف نماید.و از واردات هم نمی‏تواند حقوق‏ گمرکی اخذ کند.تا 200 هزار قلم کالا کد گمرکی دارد.یعنی‏ تا 200 هزار قلم کالا در دنیا تجارت می‏شود.ما اکنون‏ تقریبا به 10 هزار کالا اجازه ورود می‏دهیم و برای 90 هزار قلم کالا به عناوین مختلف محدودیتهای واردات قائل‏ هستیم.اگر ما به عضویت سازمان تجارت جهانی در آئیم. آن 190 هزار قلم کالا باید وارداتش آزاد شود.شرط دوم این‏ که ما می‏توانیم بر واردات کالا حقوق گمرکی وضع کنیم،البته‏ در مواردی تا زیر 5%استثنای کوچکی وجود دارد ولی کلا روح حاکم بر سازمان تجارت این است که باید حقوق‏ گمرکی صفر شود.

قابل توجه است که قیمت بسیاری از انواع اتومبیل در ایران 3 تا 4 برابر قیمت بازار جهانی است.پس اگر ایران به‏ عضویت این نهاد درآید ما نمی‏توانیم برای واردات‏ اتومبیل محدودیتهای کمی قائل شویم و بر وارداتش حقوق‏ گمرکی وضع کنیم.معنای دیگر این است که اتومبیل‏های‏ خارجی می‏توانند وارد بازار ایران شود و کارخانجات‏ اتومبیل سازی باید بتوانند با کارخانجات مشابه خارجی‏ رقابت کنند.

پس امیدوارم که حضار گرامی به این نکته توجه‏ داشته باشند که سازمان تجارت جهانی خیلی بیشتر از سازمان هواشناسی اهمیت دارد.تغییرات گسترده‏ اقتصادی به وجود می‏آورد.بعضی از کارخانه‏های فولاد ما ظرف 2 سال گذشته در مواردی آهن آلات را تا 3 برابر قیمت بازار جهانی به مصرف‏کننده ما فروختند.در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی قیمت‏ها در ایران مساوی قیمت بازار جهانی می‏شود باضافه هزینه‏ حمل کالا از خارج به ایران.

ما اگر به عضویت این سازمان پذیرفته شویم صنایع‏ ما در یک موقعیت رقابتی بسیار دشواری قرار می‏گیرند و صنایع باید سعی کنند که هزینه تمام شده شان را پائین‏ بیاورند.پس کشوری که میخواهد به عضویت سازمان‏ تجارت جهانی درآید باید کلیه سوبسیدهای غیر مستقیم‏ به اقتصاد داخلی را حذف کند.

دیده می‏شود که یک استان در کشور با یک کشور در دنیا تولید یک کالا و یا یک سری از کالاهایش بر کشورهای دیگر مزیت نسبی دارد.بدین معنی که آن کالا را با کیفیت مساوی ارزانتر از کشورهای دیگر تولید می‏کند.پس معنای مزیت نسبی این شد که اگر یک‏ کشور با یک استان و یک کارخانه بتواند یک کالا را با کیفیت‏ مساوی ارزانتر تولید کند می‏گویند در تولید آن کالا مزیت‏ نسبی دارد.مثلا گفته می‏شود استان کرمان ایران در تولید پسته نسبت به استانهای دیگر ایران مزیت نسبی دارد یا نسبت به برخی از دیگر مناطق دنیا.

یک سری مزیتهایی داریم که انسان به وجود آورده‏ مثلا گفته می‏شود کره جنوبی در تولید تلویزیون رنگی‏ و بعضی از کشتیهای بازرگانی مزیت نسبی دارد یعنی‏ می‏تواند با کیفیت مساوی ارزان‏تر از کشورهای دیگر تولید کند.بحث موردنظر ما که برداشتن حقوق گمرکی و حذف‏ محدودیتهای کمی برای واردات است یعنی ادغام اقتصاد کشور در اقتصاد جهانی.یعنی زمانی که اقتصاد کشورهای‏ عضو در اقتصاد جهانی ادغام می‏شود،چیزی دیگر تحت‏ عنوان مرزهای ملی اقتصادی نخواهد بود.

حالا سازمان تجارت جهانی می‏گوید ما بیائیم‏ مرزهای اقتصادی را برداریم تا ببینیم کدام کشور ارزانتر تولید می‏کند.بنابر این سازمان تجارت جهانی می‏گوید که کشورهائی که می‏خواهند به عضویت سازمان پذیرفته‏ شوند اول باید کلیه سوبسیدهای غیر مستقیم را حذف کنند تا بعد ببینیم کدام کشور ارزانتر تولید می‏کند در غیر این‏ صورت اگر کشور همچنان به اقتصاد داخلی سوبسید بدهد و مرزهای اقتصادی برداشته شود به سادگی ممکن است که‏ یک دولت با سوبسیدی که به کارخانه‏های داخلیشان‏ می‏دهد،در یک قلم کالا مزیت نسبی پیدا کند.یعنی ارزانتر از کشورهای دیگر تولید کند ولی در واقع این ارزانتر تولید کردن به خاطر سوبسیدها بوده آنوقت می‏تواند کارخانه دیگری را ورشکست کند ولی در واقع کارخانه که‏ ور شکست شده با این خاطر ور شکست نشده که بهره‏وری‏ آن پائین بوده،با این خاطر بوده که کشور رقیب به تولید کالاهایش سوبسید داده پس شرط دوم عضویت در سازمان تجارت جهانی حذف کلیه سوبسیدهای غیر مستقیم حیات اقتصادی کشور است.

دولتها می‏توانند به عضویت سازمان تجارت جهانی در آیند و به هر میزان که بخواهند به جامعه‏شان سوبسید مستقیم بدهند.فرق سوبسید مستقیم و غیر مستقیم‏ چیست؟سوبسید غیر مستقیم در سیستم مزیتهای نسبی‏ اخلال می‏کند و باعث می‏شود هزینه تمام شده کالاها ارزانتر تمام شود اما سوبسید مستقیم اشکالی ندارد.الان‏ دولت ما دارد سالیانه تقریبا ده میلیارد دلار به جامعه‏ سوبسید انرژی می‏دهد تقریبا هم با دلاری 20 تومان تا 30 تومان در کشور توزیع می‏کند.ایران اگر به عضویت‏ سازمان تجارت جهانی دربیاید نمی‏تواند این ده میلیارد را در کشور توزیع کند ولی معادل ریالی آنرا می‏تواند سوبسید مستقیم بدهد.ما الان تقریبا ده میلیارد دلار سوبسید می‏دهیم و اگر بخواهیم به عضویت سازمان تجارت جهانی‏ در آئیم اولین گامی که باید برداریم حذف این‏ سوبسیدهاست.

اگر بخواهیم فرآورده‏های نفتی را به قیمت بازار جهانی حساب کنیم هر لیتر فرآورده‏های نفتی در ایران به‏ قیمت تقریبا 110 تومان می‏باشد اگر رای به این داده شود که ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید،رای‏ مثبت دادن،مساوی است با اینکه گازوئیل 4 تومانی‏ بشود 110 تومان و بنزین لیتری 16 تومان بشود 110 تومان، کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی درمی‏آید نمی‏تواند برای شرکتهای خارجی محدودیتی بیشتر از محدودیتی که برای شرکتهای خدماتی داخلی وضع می‏ کند به وجود آورد.ما نمی‏توانیم برای یک شرکت خارجی‏ اگر بخواهد فعالیت کند محدودیتی بیشتر از محدودیت‏ شرکت داخلی به وجود آوریم.یعنی مثلا الان ما به‏ بانکهای خارجی اجازه تاسیس شعبه در ایران را نمی‏دهیم‏ و اجازه نمی‏دهیم که مردم ایران در آن بانکها حساب پس‏ انداز داشته باشند.اگر ایران به عضویت سازمان تجارت‏ جهانی درآید ما نمی‏توانیم برای بانکهای خارجی‏ محدودیتی بیش از محدودیتی که برای بانکهای خودمان‏ وضع می‏کنیم بوجود آوریم.

این مساله منافاتی با بانکداری اسلامی ندارد ولی‏ بانکهای خارجی هم می‏توانند در چهارچوب قوانین‏ بانکداری ما فعالیت کنند.اگر ما به عضویت پذیرفته‏ شدیم شرکتهای مخابراتی خارجی هم می‏توانند به مردم‏ ایران خدمات مخابراتی بدهند.و مردم ایران در صورتی از وزارت مخابرات استفاده می‏کنند که کیفیت و نرخش‏ رقابتی باشد.مفهوم دیگر این کلام این است که شرکتهای‏ دولتی ما در معرض یک رقابت بسیار سنگین قرار بگیرند. البته این رقابت مختص شرکتهای دولتی نیست،شرکتهای‏ خصوصی را هم در برمیگیرد،ولی درباره خدمات دولتی‏ این رقابت خیلی تنگاتنگ است.با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی ما باید بتوانیم در افق دنیای امروز فکر کنیم.در 70 سال گذشته که اقتصاد ما از یک مرحله‏ رقابتی در سطح منطقه به رقابتی در سطح ملی تبدیل شد خیلی از حرفه‏ها دیدند نمی‏توانند فعالیت خود را ادامه‏ دهند و دهها تولیدکننده از حیات اقتصادی کشور حذف‏ شدند.عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی به معنای‏ این است که هر کارگر در کارخانه فقط یک حقوق خواهد گرفت و این حقوق را هم کارفرما باید بدهد.و اینجاست که‏ معلوم می‏شود که چه کسی مدیر است.این فقط مربوط به‏ صنایع نیست،بخش کشاورزی هم مشمول این حکم‏ است.خدمات دولتی هم مشمول همین حکم است.اگر از مردم ایران سوال شود که به نظر شما بزرگترین مشکل‏ مملکت چیست؟و طبقه بندی کنید،می‏گویند،1-ضعف‏ مدیریت‏2-سوء مدیریت.حالا سوال اینجاست که اگر ایران به عضویت سازمان تجارت-جهانی درآید در ایران‏ سوء مدیریت و ضعف مدیریت تا چه اندازه می‏تواند امکان‏ داشته باشد؟مسئله ضعف مدیریت تا چه اندازه در ایران‏ موجودیت اجتماعی دارد-وقتی اقتصاد بخواهد با اقصاد جهانی رقابت کند کافی است در یک کارخانه ضعف‏ مدیریت باشد،به میزانی که با ضعف مدیریت هزینه تمام‏ شده بالا می‏رود و هزینه تمام شده که بالا رفت دیگر نمی‏تواند رقابت کند.

عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم به وجود آمدن‏ یک نوع تفکر سیستمی در جامعه است.

سازمان تجارت جهانی خود یک نوع تفکر سیستمی‏ است.با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی اگر مدیری که ضعف مدیریت داشته باشد و مدیر عامل‏ کارخانه‏ای باشد آخر ماه نمی‏تواند حقوق پرسنل خود را بپردازد.و من نمیدانم چرا در ایران ما از تعطیلی برخی‏ واحدها می‏ترسیم.من فرانسه را نگاه می‏کردم سال‏ گذشته از هر 10 هزار شرکت که در فرانسه تاسیس شده‏ بود 9 هزار شرکت آخر سال ورشکست شده‏اند،آخر سال‏ دیده‏اند نمی‏توانند.شرایط به گونه‏ای بود که از بخش‏ تولید حذف شده‏اند.

اگر در یک کشور یک تعداد کارخانه تعطیل نشود اقتصاد سالم نیست.سیستم باید به گونه‏ای باشد که‏ کارآمد و ناکارآمد از هم تفکیک شوند،عضویت در سازمان‏ تجارت جهانی وضعیتی به وجود می‏آورد که مدیریت‏ کشور را شفاف می‏کند یعنی مدیر کارآمد را از مدیر ناکارآمد جدا می‏کند.اگر سوبسیدها حذف شود،مرزها هم باز می‏شود اطلاع دارید که ایران از سال 69-1368 با روی‏ کارآمدن آقای رفسنجانی به عنوان رئیس جمهوری‏ سیاست تعدیل اقتصادی را در پیش گرفت.که این‏ سیاستی نیست که دولت ایران فقط در پیش گرفته باشد،از سال 1970 میلادی 80 کشور جهانی آنچه را که در ایران به‏ تعدیل اقتصادی شهرت پیدا کرد،در پیش گرفتند.و در سال‏ 90 میلادی سیاست مذکور را به پایان رساندند و تقریبا از سال 90 میلادی هم تقریبا 80 کشور دیگر دنیا سیاست‏ تعدیل را در پیش گرفتند و ایران یکی از آخرین کشورهائی‏ بود که در این زمینه اقدام کرد.ما با روسیه تقریبا همزمان‏ سیاست تعدیل را شروع کردیم.پس تعدیل سیاستی‏ نیست که مربوط به دولت ما باشد.یک سیاست جهانی‏ است که در پیش گرفته شده.سیاست تعدیل هم‏ تقریبا 10 اصل مهم دارد.

اولین اصل سیاست تعدیل آزاد سازی قیمت کالاها و خدمات است یعنی حذف سوبسیدهای غیر مستقیم‏ اقتصاد کشور،خوب این اصل تعدیل با شرایط عضویت در سازمان تجارت جهانی سازگار است،تعدیل هم می‏گوید آزاد سازی نرخ کالا و خدمات.

اصل دوم سیاست تعدیل،آزاد سازی تجارت خارجی‏ است.یعنی حقوق گمرکی و محدودیتهای کمی برای‏ واردات باید حذف شود.

سومین اصل نرخ کارمزد بانکی را بازار باید تعیین‏ کند بنابر این یکی از اصول دیگر سازمان تجارت جهانی‏ این است که دولت وام سوبسیددار به تولیدکننده بدهد و این نرخ کارمزد بانکی را بازار باید تعیین کند.پس اصل‏ سیاست تعدیل،ملی است.کشورهائی که بخواهند عضو سازمان تجارت جهانی باشند سیاست تعدیل را در پیش‏ میگیرند.پس بنابر این سیاست تعدیل اقتصادی در واقع‏ آئین نامه اجرائی عضویت در سازمان تجارت جهانی‏ است.

در نظر داشته باشید که 130 کشور دنیا خودشان را دارند با این شرایط وفق میدهند.و البته سازمان تجارت‏ جهانی به کشورهای صنعتی 5 سال مهلت می‏دهد تا این‏ اصول را اجراء کنند و به کشورهای در حال توسعه 10 سال‏ مهلت می‏دهد.پس ما از زمانی که قرار داد را امضاء کردیم‏ 10 سال فرصت داریم تا این اصول را اجرا کنیم.مثلا ما 10 سال از زمان امضای قرار داد فرصت داریم تا قیمت سوخت‏ را در اقتصاد داخلی آزاد کنیم.حالا ممکن است یک سوال اینجا مطرح شود که با این مقدمات که گفتیم خیلی از کارخانه‏های ما با دشواری روبرو خواهند شد.بخشی از کشاورزی و شرکتهای دولتی با دشواری مواجه خواهند شد و اصلا اگر ما بخواهیم عضو گات شویم چه می‏شود؟صنایع‏ بدیل چیست؟صنایع رقیب چیست؟

حالت دیگر که ما اصلا عضو نشویم چه اتفاقی‏ می‏افتد؟اصلا ممکن است عده‏ای با بیان این آثاری که‏ اینجا برشمردیم حکم به عدم عضویت در سازمان تجارت‏ جهانی بدهند.پاسخ:کشورهائی که به عضویت سازمان‏ تجارت جهانی درنیایند از 11 دیماه سال 1374 پنج سال‏ مهلت دارند تا عضو سازمان شوند.برای ما الان 5/1 سال‏ گذشته و ما 5/3 سال مهلت داریم تا عضو سازمان تجارت‏ جهانی شویم.در پایان این 5/3 سال کشورهای عضو عضویت سازمان در نیامده باشند کشورهای عضو می‏توانند تا 600%بر واردات از این کشورها تعرفه وضع‏ کنند.

وقتی که 2-3 ماه قبل از سال 76 اتحادیه اروپا بر صادرات زعفران از ایران 600%تعرفه وضع کرد آقای‏ کلانتری وزیر کشاورزی در یک مصاحبه گفتند ما اگر به‏ عضویت اتحادیه سازمان تجارت جهانی در نیائیم بهتر است صادرات مواد کشاورزی را فراموش کنیم.چون تا 600 درصد بر صادرات ما تعرفه وضع میکنند.یعنی در واقع رای‏ می‏دهند که ما عضو نشویم،در واقع رای می‏دهند بسیاری‏ از صادرات ما متوقف شود.الان اتحادیه اروپا بر صادرات‏ مواد کشاورزی در مواردی تعرفه وضع کرده حالا این مواد از ایران می‏رود ترکیه و ترکیه شده دلال تجارت خارجی، چون ترکیه تعرفه نمی‏پردازد و از ایران تعرفه می‏گیرند.

عضویت در سازمان تجارت جهانی ظرف 5/3 سال‏ به عضویت سازمان تجارت جهانی در بیائیم یک سری‏ آثار مثبت و یک سری آثار منفی دارد.

یکی از هزینه‏های عضویت در سازمان گات اینست‏ که این کارخانه‏های ناکار آمد باید از حیات تجارت جهانی‏ کشور حذف شوند و این مشکل بی‏کاری به وجود می‏آورد. آثار مثبت آن حذف سوء مدیریت و ضعف مدیریت از بخش اقتصاد کشور بوده،که اینهم اثر بزرگی است.عضو هم نشویم همینطور است و بلاخص عدم عضویت صادرات‏ ما را با دشورای جدی روبرو می‏کند.بنابر این فعلا کشور ما در مقابل انتخاب وضع دشواری قرار گرفته است.و نه کشور ما همه دنیا،دنیا دارد به نقطه‏ای می‏رسد که کشورهای‏ مختلف باید جایگاه خودشان را در آن نقطه جدید مشخص کنند،11 کشور از حالا مشخص کرده‏اند. افغانستان سومالی-رواندا-دولت ایران که ظاهرا نشان‏ داده است می‏خواهد به عضویت این نهاد درآید.بنابر این‏ جامعه باید آمادگی داشته باشد و باید هزینه عضویت را بپردازد.و عده‏ای فکر می‏کنند که یک تصمیم درست‏ اقتصادی اینست که وقتی اتخاذ شد همه مشکلات ما را حل کند و همین شکل تازه‏ای را برای ما به وجود می‏آورد. چیزی را که می‏خواهیم به دست بیاوریم باید هزینه آنرا بپردازیم.عده‏ای می‏خواهند هرچه را به دست بیاورند بدون اینکه هیچ چیز از دست بدهند،این‏طور نمی‏شود.ما اگر میخواهیم عضو سازمان تجارت تجاری می‏گوید هزینه‏اش را بدهیم و هزینه‏اش رشد بیکاری و حذف‏ مزیت نسبی یعنی ما مرزهایمان را بازبگذاریم تا آنها بیایند کارخانه ایران خودرو ما را ورشکست کنند چون آنها در اتومبیل مزیت نسبی داریم آنها مرزهایشان را باز بگذارند و حقوق گمرکی را بردارند ما هم در این زمینه وارد بازار آنها می‏شویم.

سازمان تجارت جهانی می‏گوید آزاد سازی منهای‏ مواد خام یعنی مواد خام مشمول مقررات سازمان تجارت‏ جهانی نیست.یعنی آن چیزی که ما در آن مزیت نسبی‏ داریم.استدلال دیگر این‏که قرار نیست مرزهایمان را باز بگذاریم تا خارجیها بیایند برنج‏هایشان را وارد ایران‏ کنند،می‏دانید که ایران کشوری است که بتواند با امریکا یا 3-4 کشور در جنوب شرق آسیا در تولید برنج رقابت کند.در برنج درجه یک ما مزیت نسبی داریم.ولی هزینه تمام شد درجه 2 و 3 بعضی از کشورها پائین است.یعنی عضویت‏ ایران در سازمان تجارت جهانی به این معنی است که ما در تولید برنج مزیت نسبی نداریم.خوب ما مرزها را باز بگذاریم تا بیایند در کشاورزی ما را از رده خارج کنند.ما جهان سومیها هم در نیروی انسانی مزیت نسبی داریم‏ آنها هم اجازه بدهند تا نیروی کار از چین و هند و ایران به‏ کشورهای آنان بروند اجازه بدهید نیروی کار ایران برود اروپا و ارزی که می‏فرستد از درآمد نفت هم بیشتر است. برنامه سازمان تجارت جهانی آزادسازی منهای نیروی‏ کار است بنابر این نیروی کار و مواد خام مشمول مقررات‏ سازمان تجارت جهانی نیست.

اگر سوال شود که سرعت اصلاحات در ارتباط با سازمان‏ تجارت جهانی در ایران خوب است یا نه پاسخ می‏دهم که‏ سرعت اصلاحات بسیار کند است و این عملکرد خیلی‏ ضعیف است.و اگر سوال شود که در ارتباط با شرایط داخلی‏ آیا سرعت اصلاحات چگونه است پاسخ می‏دهم که‏ سرعت توسعه بسیار تند است.یعنی کشور دچار یک نوع‏ پاردوکس شده،در ارتباط با سازمان تجارت جهانی‏ توسعه کند است و در ارتباط با ظرفیت داخلی این سرعت‏ خیلی زیاد است.

ممکن است مذاکرات ایران با سازمان تجارت جهانی‏ 2-3 سال دیگر طول بکشد وقتی این مذاکرات نهائی‏ شد و امضا شد روند اصلاحات خیلی تند می‏شود.بنابر این‏ کارخانجات می‏توانند این دوره را به عنوان دوره تنفس‏ ارزیابی کنند برای اینکه خودشان را برای رقابتی شدن‏ آماده کنند.

برنامه اول با منطق تعدیل،تنظیم شده بود ولی برنامه‏ دوم با منطق تعدیل تنظیم نگردیده در برنامه دوم هیچ‏ پیش‏بینی نشده که کسانی که پاسخ مساعد به این‏ متغیرها نمی‏دهند مورد حمایت قرار گیرند.این مشکل‏ خودشان است مشخصا این پرسش است که آیا با عضویت‏ ایران در سازمان تجارت جهانی استثمار دیگر خاتمه‏ می‏یابد؟

پاسخ‏اینست که خیر،عضویت در سازمان تجارت‏ جهانی همچنین کارت سبزی به ما نمی‏دهند.ولی‏ موفقیتشان به این است که تا چه اندازه اجازه بدهیم که‏ استثمار شویم.

سیاستهای تعدیل اقتصادی در دنیا به دو صورت‏ اجرا می‏شود یکی به صورت تدرجی و دیگری به صورت‏ شوک درمانی سیاست تدریجی یعنی اجرای اصول فوق‏ ظرف مدت مثلا 20 سال و شوک درمانی یعنی اجرای‏ اصول ظرف مدت 5 سال و در یک مدت کوتاه،ایران و روسیه‏ با هم سیاست تعدیل را شروع کردند.ایران روش تدریجی‏ را پیش گرفت و روسیه روش شوک درمانی و تعدیل‏ در روسیه الان تمام شده و هر کشوری باید شرایط خودش‏ را ارزیابی کند و ببیند کدام روش به سودش است.

فیلیپ من یکی از تئوریستهای سیاست تعدیل،تحلیلی‏ از برخورد صنایع در برزیل نسبت به سیاست تعدیل دارد، و می‏گوید از اجرا سیاست تعدیل عمده صنایع به کمک‏ سوبسیدها اداره می‏شوند و کارخانه‏ای که به کمک سوبسید اداره شده مدیر ناکار آمد و مدیر کار آمد چندان قابل‏ تشخیص نیست.کما اینکه آنقدر به کارخانجات ما سوبسید دادند که در واقع این سوبسیدها هزینه عدم کارآئی را جبران‏ می‏کرد.